



۲۰۱۳/۰۹/۰۵

دوکتور ص (سعیدی - سعیدافغانی)

## راه حل کدام است؟

دانشمند محترم شخصیت غمخوار کشور داکتر سید عبدالله کاظم نوشته عریض و طویلی را در ویسایت های افغانی از جمله افغان جرمن آنلاين به تاریخ ۲۰۱۳/۰۸/۲۹ تحت عنوان (برای نجات کشور از بحران سیاسی خطیر چه باید کرد؟) به نشر رسانیده اند.

جناب شان مطالب بس مهم، اساسی و مشکلات را انگشت نما و در اخیر در عنوان کوچک (راه حل چیست؟) که دقیقاً منظور شان (راه حل کدام است؟) را نیز پیشکش می دارند.

برخورد درست با مسایل ایجاب می کند که از مشکل شناخت درست داشت، مشکل را تعریف کرد و راه حل را هم پیشکش نمود. چیزیکه جناب داکتر کاظم درین نوشته تلاش نموده اند.

تمرکز، شریک ساختن نظر و مکث بر همه بحث باز شده توسط جناب شان، برایم از لحاظ زمانی طاقت فرسا و پرداختن به آن را از حوصله خواننده نیز خارج میدانم. لذا بر بخش اول بحث شان سطحی گذر نموده و بیشتر به بخش بعدی یعنی (راه حل چیست؟ راه حل کدام است؟) متمرکز می شوم.

امید تلاش برای مختصر بودن موجب اعتراض به معنی عدم باز کردن این و یا آن موضوع باید بیشتر موشگافی میشد، نگردد. بحث من تقابل نبوده بلکه در موارد انکشاف جوانب و دادن بدیل است که جناب داکتر کاظم به آن زیاد تمرکز نداشته و یا هم در موارد نظر دیگر داریم که زمینه ساز انتخاب و قضاوت خواننده شود، هدفیکه ویسایت های افغانی آنرا دقیقاً وارد می دانند و درین راستا ادای رسالت می دارند.

مسئلاً باید گفت که در مسایل و پدیده های اجتماعی سیاسی عوامل مختلف مؤثر اند که بخش این عوامل اساسی و بخش دیگر فرعی اند. بخشی از عوامل وضع از جمله مسایل جاری کشور ما داخلی و بخش آن خارجی و خارج از توان و امکانات ماست.

در بحث به ترتیب می پردازم که جناب شان داکتر کاظم آنرا در نوشته فوق خویش آورده اند:

### منشاء اصلی مشکل:

بلی همه وقابل درک وبخاطر جلوگیری از باز پرسى های ممکن درآینده، به شمول رئیس جمهور حاکم درتلاش به قدرت رسانیدن شخص مطلوب خویش به قدرت ریاست جمهوری افغانستان اند. به فکر من داشتن برنامه ونسخه برای حل مشاکل کشور و مردم امر درست و رسالت گروه ها وافراد رسالتمند کشور است. به این ترتیب تلاش ومبارزات مشروع بخاطر داشتن قدرت سیاسی بخاطر خدمت ، کدام مشکل ندارد و درین راستا تلاشها، نشست، تفاهمات، اجماع های وسیع ومحدود بلاخره دید و بازدید های شخصیت های مطرح کشور، احزاب و سازمانهای موجود در داخل قواعد و قوانین قبول شده، قابل قدر، ادای رسالت و به نیت خیر حتی عبادت است. به فهم من درین مرحله ودربین چوکات کدام مشکل وجود ندارد و تلاشهای جستجوی تحقق برنامه های که این ویا آن گروه برای حل معضلات مطروحه آنرا درست میدانند و مشروعیت آنرا با اعلام این اهداف قبلا از انتخابات برای مردم، کاری است مطلوب و به جاء ومردم باید بدانند که کي را با کدام اهداف انتخاب میدانند.

اما معامله و دسیسه درغیاب مردم و تجارت سیاسی و به حاشیه کشانیدن ملت درین راستا قابل قبول نبوده و باید به موقع افشا شده و رد گردد.

ملت باید درجریان معاملات نامشروع که انتخاب ملت را به حاشیه کشانیده ومعامله خاینانه سیاسی میشود، آگاه ساخته شود. درین راستا ملت باید با بیداری خاص و تام فرصت خیانت و جعل را به خیانت کار که حتی یک بار آزموده هم شده، نه دهد و اصل سخن وحق انتخاب را ملت داشته باشد.

به فکر من یکی از مسایل اساسی اصل ومنشاء مشکل تصمیم در کنفرانس ها ونشست های خارج از اراده مردم و معاملات بر سرنوشت مردم بدون حضور شان و به این ترتیب به حاشیه کشانیدن ملت است.

تمام تفاهمات قبل از انتخابات و اجماع های قبل از انتخابات باید زمینه ساز این شوند که منجر به انتخاب ملت به صورت شفاف گردیده و ملت را به حاشیه نه کشاند.

## برای بیرون رفت ازین مخصوصه دو راه وجود دارد:

■ یکی نفيه ۱۲ سال گذشته و ایجاد حکومت مؤقت و زمينه سازى برای يك ضياع وقت ديكر، و آغاز از جايى كه ۱۲ سال قبل آغاز کرده بودند و فرصت های طلايى عصر و امكانات افغانستان را در آن ضاياع كردند و يا هم،

■ راه دوم و آن هم پيگيرى امور (۳۰ فيصده) انجام شده به قيمت بس گزاف و وقت بس زيادى ضاياع شده. درين راه دوم ادامه همين ۳۰٪ كار مثبت انجام شده به اين ترتيب نهادينه كردن و به كارگيرى انستيتوت های ایجاد شده ولو تقلى و دادن محتوى اصلى، درست و مردمى به آن.

حاکميت قانون و انتخابات و ایجاد و نهادينه ساختن ساختار های ديگر مردمى و ديموکراتيک. ديموکراتيک که در آن حاکميت ملت، توسط ملت، برای ملت و در خدمت ارزش های ملت باشد. ملتى که مسلمان است، ارزش ها و انتخاب خویش را دارد.

من جانبدار و حمايتگر حرکت تداوم، اصلاح و پيگيرى در اصلاح و نهادينه ساختن ساختار های ایجاد شده ولو تقلى ام و درين راستا به محتوى جديد دادن و اصلى ساختن آن تأکيد دارم. در نوع اول نحوى از انقلاب و توقف قانون است و من آنرا انتخاب و گزينه خوب نمى بينم.

دقیقاً چنانچه جناب داکتر کاظم به عبارت و ادبيات ديگر گفته اند، من هم در زمان تصويب اين قانون اساسى و حالا بار ديگر تکرار مى کنم که در افغانستان در قانون اساسى نافذ اعتدال بين قواى سه گانه دولت که ارگان های سه گانه در عين استقلال، جواب گوى يکديگر باشند به نفع قوه اجرائيه مغشوش و منحرف شده و اين نظام حاکم نظام رياستى که به مفهوم اصلى، درست و مفيد کلمه باشد، نيست. حاکميت موجود در ۱۲ سال گذشته صرف همان جوانب مسأله و قضايا را بيشتتر مراعات کرد و استفاده برد که به باب دندان اش بوده و صدها تخلف را از قانون اساسى نافذ کشور روا داشته اند. (گذارش های مستقل در زمينه وجود دارد). لذا ۱۲ سال گذشته کشور ما سندی برای خوب بودن و يا بد بودن نظام رياستى – مرکز و يا صدارتى نيست و بوده نمى تواند.

ميگويند با ديموکراسى کسانى مشکل دارند که آنرا امر جدى تلقى مى کنند. کسانى که ديموکراسى را روپوش فتنه های تخلفات خویش قرار داده اند و مى دهند با ديموکراسى چندان مشکل ندارند. مثال و نمونه زنده اين تأکيد همين حاکميت ۱۲ ساله موجود در افغانستان است.

از صد ها مثال مثال حيف و ميل کردن کابل بانک و استدلالى که گرفتن پول در بوجى ها از ايران و سي. آى. اى. کار اداره رياست جمهورى جناب حامد كرزى را به استدلال خود شان، آسان ساخته بود و ادامه آن تأکيد داشتند. مسائلى اند که ثبت تاريخ سپاه دولتدارى غلط خواهند شد.

سياست اقتصادى غلط که در آن عرضه و تقاضا حاکميت مطلب داشت، در جامعه و اقتصاد که بستر های لازم حقوقى ایجاد نشده و زمينه های رقابت و توانايى های رقابت آزاد وجود نداشت، نمى توان از اقتصاد بازار آزاد دفاع کرد. درين راستا اقتصاد مختلط مانند وسيله برای رسيدن به بازار آزاد تحت نظر قانون، استفاده نشد. دهها مورد ديگر از تاريخ سياسى و دولتدارى خام و ناسالم موجود گواهی مى دهد.

عدم دفاع از اتباع کشور، بمباردمان های کر و کور و سياسيت کدرى متكى به روابط استخباراتى، جيبى، فاميلى و سمتى و . . . که اين سياسيت کدرى غلط موجب عمده فساد ادارى جانگناه است و همه وجود اين اداره را پوسيده است. بخشى از ناآرامى ها، قيام ها و اعمال انتحارى دقيقاً به اين مسايل ارتباط مستقيم دارد. برخانه و ناموس كسى درشب و به ارتباط مسايل امنيتى تجاوز شده و وى راهى جز انتحار و تشدد متقابل ندارد. لست عريض و طويل نابكارى اين حاکميت آنقدر طولانى است که ايجاب نوشتن صفحات را دارد. اين بدان معنى نيست که قبل چنين نبود و يا بعد چنين نخواهد بود. اما ما از گريوان کسانى مى گيريم که فرصت های طلايى مردم افغانستان را به هدر دادند و فرصت هاى در موارد غير قابل بازگشت را ضاياع كردن و هنوز هم با ديده دراى ادعاى خدمتگارى دارند.

## قدرت سلطانى رئيس جمهور:

من به اين باورم حاکميت که اراده ملت را دريك انتخابات آزاد بدست آورد، مشروعيت برنامه های خویش داشته باشد، از مردم برخاسته و مطابق به ارزش های مردمى درخدمت مردم قرار گيرد و توسط مردم ایجاد شود درين چنين حاکميت بايد با توريته و با توانمندى متناسب و قوى تر از يك پادشاه و سلطان عمل کند. ما به ديکتاتور

ضرورت نداریم ما به دیکتاتوری قانون ضرورت و عمل قاطع حاکمیت مشروع ضرورت داریم. ممثل اراده مردم باید متزلزل نباشد و با توانمندی بیشتر از یک شاه و سلطان عمل کند.

مشکل جناب حامد کرزی برعکس بود و این فکتور اساس مشکل بود هاست. مصلحت گرایی بیش از حدشان ناشی از مجبوریتهای عدم تواناییهایشان بود و هاست. پادشاه و سلطان چندان به چنین مصلحت گرایی ها نمی اندیشد. در طریق انتخاب کابینه من متمایلم که کابینه یا به صورت دسته جمعی قبول و یا به صورت دسته جمعی رد و بیشتر صلاحیت و جوابگویی به وزیر ارشد داده شود.

رئیس جمهور باید مطابق وضع سیاسی و ستیج سیاسی مکلف باشد برنده حزب حاکم در پارلمان را برای پیشکش کردن کابینه برای پارلمان مؤظف سازد. ایجاد چنین میکانیزم و تغییر آن ایجاب کارهای بس پیچیده و متعدد را مینماید که درین راستا کار بس زیاد و دشوار در پیش مردم ما وجود دارد.

به صورت عمده ترند ها و روش های جدید و مدرن دولتمداری در قرن حاضر چنین اند که دولت قبل از همه قوه اجراییه به مردم نزدیک شود، از صدور امری تا تطبیق فاصله های کم شود، دولت ارزان شود و مردم حاکمیت را از خود بدانند. حاکمیت قانون بر همه یکسان و تطبیق قانون و در مسایل نظر نهایی را قضا و محاکم داشته و مراجعه اجرائیوی مانند قانون منم عمل نه نموده و مراجع اجراییوی جای مراجع عدلی و قضایی را نگیرند. والی و وزیر و رئیس جمهور چیزی را که قانون تصویب کرده به امر خویش تغییر و تبدیل کرده نتوانند. تفس، مالیه، گمرک و ... مطابق قانون تعیین شده و هیچ یک از افراد حکومتی فوق باید آنها را به کسی ببخشند و نه هم تغییر داده بتوانند. کاری شده و جریان دارد. در کشوری که وزیر مالیه از تادیه گمرک و محصول موتر های قمیتی سرباز زند و موتر های میلیون دالری اداره قبلی کار خود را با خود به وزارت مالیه آورده و به مرجع اولی بگوید اسناد روان کنید که از مالیه شما وضع کنیم و ... این برخورد قابل قبول نیست. این و دهها مطلب دیگر که برای یک دولتمداری خوب قابل قبول نیستند.

اگر حاکمیت امروزی و جناب حامد کرزی توانایی پادشاهی میداشت به چنین مصلحت گرایی مضر نمی پرداخت و به نفع منافع و مصالح کشور و مردم قاطع و از سلطان و پادشاه هم با قدرت تر عمل میکرد کار مثبت مینمود و خوب بود.

قراری که دیده میشود و شده جناب شان در دیموکراسی مصلحت گرایی را با ننگ داشتن توازن و مراعات قوت ستیج سیاسی ولو غیر مشروع در قدرت سیاسی مغالطه کرده و به معامله های نادرست پرداختند که افغانستان را در اینده های نه چندان دور به چنان نفاق و شقاق خواهند کشاند که آن حالت را همان مخصمه مبینم که شما هم به آن تذکرات دارید.

در مجلس وزرای که بحث بالای این صورت گرفته که عکس های تاریخی و فرهنگی افغانستان از اطیش به نیویارک برده شدو موتر های شیشه سیاه باید چنین شوند و یا چنان و ... و کار شورای وزیران به وظیفه مدیر موزیم ها و مدیر ترافیک افغانستان تنزل کرده و شورای وزیران عوض کلید سازی به کیس های انفراد خورد میپردازند واقعاً مشکل است که حد اقل قابل ترحم اند. بلی مراجع کلیدی باید تصامیم کلیدی و اجندای کلید سازی داشته باشند.

### نظام فدرالی ویا پارلمانی ویا مرکزی؟

هیچ یک از این نظام های بدون اراده قوی سیاسی و بدون اراده مردم وبدون مشروعیت حاکمیت قوی و حل مشکل ایجاد کرده نمی توانند. بهترین قوانین هم بذات خود بدون ایجاد ساختار های متناسب زمینه ساز برای حاکمیت مردم و غمخواران مردم به ذات خود مشکل را دوا کرده نمی تواند.

مسلم این است که نظام فدرالی اداره را به مردم نزدیک میسازد اما در شرایط فعلی افغانستان در صورتیکه به صورت عمده فرصت های ۱۲ ساله قبل ضایع شد، و درین مدت ارگانهای عدلی و قضایی قوی و کدر های مجرب و کاری ایجاد نه گردید. از جانب دیگر موقعیت جغرافیایی و شکننده بودن کشور ما در صورت فدرالی منجر به تجزیه افغانستان خواهد شد. این برنامه درین شرایط مطابق به خواست پاکستان (صدراعظم پاکستان نواز شریف از آن اخیر دفاع کرد) است. درین نوع اداره دولتمداری قیمت تر از آن خواهد شد که است. جناب حامد کرزی با بیش از ۱۰۰ مشاور وزیر در موارد تصامیم و اظهارات دارند که در ترازوی عدالت، حقوق و دولتمداری شنیدن آن برای من مشکل است.

د پانو شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

در صورت فدرالی بوجود آمدن ساختارهای دولتی فدرالی و ایالات ها تصور کرده نمی توانم که چقدر فشار بالای بودیجه و کمربندت وارد خواهد شد؟ لذا فدرالی برای شرایط فعلی یعنی خیانت تاریخی به این کشور و این خراسان و ازبک بردن افتخارات کشور.

در نظام ریاستی و مرکزی به صورت فعلی در موارد افراط شده و چنانچه گفته آمدیم در موارد توازن بین قوای سه گانه دولت در قانون اساسی مراعات نه شده. در ۱۲ سال گذشته در موارد زیادی حتی همین قانون هم عملی نه شده که به این ترتیب به هیچ صورت مشکل اساسی در نوعیت نظام نیست.

نظام پارلمانی که هر دو نظام پارلمان دارد ولی درین جا منظور نظام مانند هند و پاکستان است که جوانب مثبت و خوب خود را نیز دارد اما همه این مسایل باید در یک نشست تخصصی مورد مذاقه قرار گیرد و نظام باید برای افراد و ایجاد کرسی های برای افراد ایجاد نه شود. بلکه نظام باید بخاطر مؤثریت آن برای مسایل کشور ایجاد و تقویت گردد. درین راستا سمپتی ها و تمایلات شخصی و سمتی نباید اساس قرار گیرند.

### نتیجه:

- ملت باید به صورت پیگیر تنویر شده.
- ملت باید سخن اصلی و حق انتخاب را در یک انتخابات واضح و شفاف داشته باشد.
- فریب و دوکه باید در حق ملت مانند گذشته اعمال نگردد.
- ملت مطمئن گردد که انتخاب وی معنی، مفهوم و وزن دارد و ازین حالت مخصصه باید کشور و ملت ما کشیده شود.
- ملت باید اعتماد حاصل کند که اگر انتخاب خوب کنم یا بد باک ندارد. به علت اینکه تقلب کاران حاکم اند. آنچه می خواهند کرد که خود و یا بادران شان هدایت دهند.

من به این باورم که ملت عذاب دیده و مجاهد افغان توانایی انتخاب خوب را دارد و رسالت خویش را انشاء الله خوب اداء خواهد کرد. بر ماست در هر قدم ملت را همراهی کرده در جریان حوادث و مسایل ایشان را بیشتر از پیش در جریان قرار داده و نخبگان ملت نباید درین ادای رسالت حق ملت و انتخاب ملت را به خود تخصیص دهند. کاریکه در کنفرانس بن شد.

پایان

---

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ